

روستای قدیمی اسکی آوار

(قدرت ابوالحسنی ساغالان و محمدرضا شوکتی یوخاری آوار)

(۱) مقدمه

مطابق با آخرین سرشماری کشور ایران در سال ۱۳۹۵ شمسی، دو روستا با نامهای یوخاری آوار و آشاغی آوار در دهستان آجی‌چای بخش مرکزی شهرستان تبریز وجود دارند که بترتیب دارای اسامی رسمی و فارسیزه الوار علیا و الوار سفلی هستند. یوخاری آوار در آن سرشماری، ۴۸۰ خانوار و ۱۷۶۱ نفر سکنه دارد و آشاغی آوار بزرگتر از آن بوده، دارای ۲۰۶۶ خانوار و ۶۹۱۶ نفر جمعیت میباشد. به یوخاری آوار در منطقه، نام با مسمی تر اسکی آوار (آوار کهن) نیز گفته میشود که این موضوع، منعکس کننده قدیمیتر بودن آنجا نسبت به آشاغی آوار میباشد. طبیعتاً، در زمانی فقط اسکی آوار وجود داشته و به آنجا فقط آوار گفته میشده است. بعداً و پس از ایجاد آوار جدید در آن منطقه، آنرا به زبان خودشان یئنی آوار و قدیمی را اسکی آوار نامیده اند و یا مطابق با موقعیت جغرافیایی آنها کلمات آشاغی و یوخاری را جهت تمایز آنها به اول آوارها اضافه نموده اند. همچنین، آوارها دارای نام کتابتی علی آباد نیز هستند که به احتمال زیاد توسط کاتبین فارسی نگار ابداع شده، استفاده گردیده است. به هر حال، در قسمت دوم راجع به روستای اسکی آوار که موضوع این مقاله میباشد، مطالب بیشتری ارائه میگردد.

همانطوری که در بالا گفته شد، اسم بومی آوار (Alvar)، فارسیزه شده الوار (Θlvar) گردیده است. در صورتیکه توپونیم (اسم یک مکان) نشان میدهد، هویت بخشان به آن محل و ساکنین اولیه آنجا از کدام قوم بوده است. از اینرو، جهت تحریف نشدن گذشته تاریخی و حفظ هویت ساکنان اولیه مکانها، بایستی از اسامی خاص و بومی آنها بدقت محافظت گردد. ولی در ایران، بعد از به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی و حاکم شدن فارسها در حدود یکصد سال پیش، سیاستهای شوونیستی فارسیزه کردن توپونیمهای غیرفارسی از جمله ترکی رواج داشته است. با وجود این در مبحث سوم، در باره صحیح بودن صورت بومی آوار نسبت به الوار فارسیزه استدالات زبانشناسی ارائه خواهد گردید.

بعد در قسمت چهارم، اسناد تاریخی معتبر مربوط به دو قرون گذشته در تایید آوار بودن نام روستای مورد بحث ارائه خواهند گردید. در کتابهای مخزن الوقایع تالیف حسین بن عبدالله سرابی، سیاحت نامه ابراهیم بیگ نوشته زین العابدین مراغه‌ای، انجمن ارگان انجمن ایالتی آذربایجان اثر دکتر منصوره رفیعی و نیز کتاب ترکی آذربایجان فولکلوریندان نمونه لر تالیف دکتر سلام‌الله جاوید، نام روستای مورد بحث آوار قید شده است. نقشه ای روسی نیز، در تایید آوار بودن در آن قسمت ارائه گشته است. همچنین، در وقف نامه ربع رشیدی که حدود هفتصد سال پیش توسط رشیدالدین فضل‌الله همدانی نوشته شده، اسم علی آباد از نامهای کتابتی آوارها بدون پسوند یا پیشوند آمده است و قریب به یقین منظور از آن اسکی آوار میباشد. حتی اگر سند مربوط به یثنی آوار نیز باشد، با این مدرک تردیدی باقی نمیماند که در آن زمان اسکی آوار وجود داشته و آنجا روستایی قدیمی است.

عنوان مبحث پنجم، اسکی آوار در ۳۰۰ سال پیش خواهد بود و در آنجا یک سند ارزشمند تاریخی از دفاتر مالیاتی عثمانیها ارائه خواهد گردید که مربوط به زمان اشغال آذربایجان در آن برهه توسط آنهاست. از دفاتر مالیاتی مزبور، مدارکی در تایید اسکی آوار و یثنی آوار بودن این دو روستای منطقه ارائه خواهد گردید. همچنین در آن دفاتر، نام دیگر اسکی آوار، موللا احمدلی (ملا احمدلو) ضبط شده است که از نامهای مورد استفاده این روستا در گذشته بوده است.

در قسمت ششم و نهایه این مقاله نیز، به ریشه شناسی نام آوار پرداخته شده است. همانطوریکه خواهد آمد، به این نتیجه رسیده شده که نام اصلی آنجا آبار (Albar) بوده، نامیده آوار (Alvar) از تبدیل حرف ب به واج و در آن پدیدار گشته است. آبار (آل بار) در زبان ترکی، همه سرخ یا کامل سرخ معنانشناسی شده است. به نظر میرسد این روستا به خاطر اینکه نمای ظاهری جالب توجه سرخ رنگی داشته، بدین نام نامیده شده و مشهور گردیده باشد. به خاطر اینکه موقع تشکیل آن روستا، مصالح و خاک خانه های کاه گلی آن که مشخصا در آن موقع محدود و معدود بوده اند، در همه یا غالبشان از خاک قرمزی شبیه کوه عینالی تبریز استفاده شده، آبار نامگذاری گشته است. آبار کندی نیز، روستایی که خانه های از دور مشخص آن همه سرخ یا کامل سرخ هستند، وجه تسمیه مناسبی میباشد.

نکته: اسکی آوار در چند سال اخیر، طبق مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به علت قرارگرفتن در محدوده طرح جامع شهر تبریز به صورت منفصل به این شهر الحاق گردیده و در حال حاضر جزو محلات شهرداری منطقه ۶ کلانشهر تبریز میباشد. با وجود این در مقاله، بعلاوه سابقه تاریخی، از عنوان روستا برای آن محله تبریز استفاده گردیده است.

۲) معرفی روستای اسکی آلوار

همانطور که در مقدمه بیان گردید، مطابق با آخرین سرشماری کشور ایران در سال ۱۳۹۵ شمسی، روستای اسکی آلوار (یوخاری آلوار/ آلوار/ الوار علیا/ علی آباد علیا/ موللا احمدلی)، در دهستان آجی‌چای بخش مرکزی شهرستان تبریز واقع بوده، ۴۸۰ خانوار و ۱۷۶۱ نفر سکنه دارد. همچنین اسکی آلوار، در چند سال اخیر طبق مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به علت قرارگرفتن در محدوده طرح جامع شهر تبریز، به صورت منفصل به آن شهر الحاق گردیده و در حال حاضر جزو محلات شهرداری منطقه ۶ کلانشهر تبریز می‌باشد.

راه اسکی آلوار، در حدود ده کیلومتری شهر تبریز، بعد از سه راهی میان و قبل از پلیس راه مرند از جاده اصلی تبریز-صوفیان منشعب می‌گردد. حدود دو کیلومتر هم در سمت دریاچه اورمیه جاده فرعی دارد و به خط آهن تبریز-جلفا منتهی می‌گردد. گفتنی است، جاده اصلی مذکور روی یک مسیر قدیمی احداث گردیده که اسکی آلوار نیز یک محل بین راهی آن مسیر کهن بوده است. همچنین میتوان گفت، تقریباً همه زمینهای دو طرف جاده تبریز- صوفیان از شهرک صنعتی اطلس تبریز واقع در قبل از سه راهی میان گرفته، تا سینیک و سه راهی ساغالان اراضی تاریخی اسکی آلوار هستند که ساختمانهای دولتی و غیردولتی زیادی در آن اراضی احداث گشته اند، مانند شهرک بزرگ پلاسکو در اول جاده میان، پلیس راه تبریز- مرند و انبارها و کارگاههای ادارات برق و مخابرات استان آذربایجان شرقی.

جهت آشنایی تصویری خوانندگان با محل اسکی آلوار، در شکل ۱ یک تصویر هوایی بهپادی از آن روستا نشان داده شده است. در این تصویر علاوه بر روستای مورد بحث، مابین راه آهن تبریز- جلفا و اوتوبان جدید کنار گذر غرب تبریز، شهرک مبل آلوار هم مشاهده می‌گردد که در اراضی روستای آشای آلوار و احتمالاً خوجا دیزه (خواجه دیزج) احداث گشته است.



شکل ۱: اسکی آلوار، راه آهن تبریز- جلفا و اوتوبان جدید کنار گذر غرب تبریز

روستای اسکی آلوار، در دشت تبریز واقع می‌باشد که در کتب تاریخی به این ناحیه بیشتر عنوان صحرای تبریز یا سردرود و صحرا (سردصحرا) اطلاق شده است. اما، در مقاله آلان؛ نام بومی ناحیه تاریخی صحرای تبریز که اسفند ماه ۱۴۰۳ در شماره ۲۳۴ ماهنامه خدا آفرین تهران چاپ گردیده، استدلال شده نام بومی این ناحیه بایستی آلان بوده باشد و آلان ترکی به کلمه صحرا در زبان فارسی ترجمه گشته است. آب و هوای این روستای دشتی هم، معتدل کوهستانی می‌باشد که تا چند سال پیش بارش برف و باران در آنجا زیاد بوده است. ولی متأسفانه از زمان خشکانده شدن دریاچه اورمیه، مانند دیگر روستاهای منطقه دچار خشکسالی مهلکی شده است.

آب اراضی کشاورزی اسکی آلوار، مطابق حق آبه قدیمی آن با دهنه ای واقع در روستای زبرلی از رود سینیک چایی تامین می‌گردد که این نهر عمومی آلوار، از زبرلی شروع و به سمت تبریز تا سه راهی مایان ادامه دارد و در طول مسیر نسبتاً طولانی با انشعابات مختلف وارد اراضی کشاورزی می‌گردد. عمده ترین محصولات آبی کشاورزی این روستا هم، گندم، جو و یونجه می‌باشند. اراضی کشاورزی و محدوده اسکی آلوار، از مابین کوچه سولماز و کوی صنعتی اطلس تبریز شروع و تا نزدیکی روستای ساغالان در امتداد جاده تبریز- صوفیان ادامه

دارد. از طرف شرق، تا نزدیکی روستای اوغلو که هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران هم در این اراضی احداث شده، میباشد. از سمتی دیگر، از محدوده اراضی آناختین که فعلا در داخل حریم فرودگاه تبریز قرار دارد، شروع و تا محدوده اراضی روستای زبرلی کشیده میگردد. اما متأسفانه، از زمان احداث سد خاکی امند بر روی رودخانه سینیک چایی، اراضی همه روستاهایی که از آن رود آبیاری میشوند، از جمله این روستا، دچار مشکل کم آبی شده اند. همچنین، آب و خاک کشاورزی اسکی آلوار مانند ساغالان، به جهت شور بودن مستعد کشت زعفران و پسته میباشد، ولی با وجود این بنا به دلایل زیادی، تاکنون، حاکمیت و اهالی رغبتی به این محصول سودآور نشان نداده اند.

در اراضی دیم اسکی آلوار، نخود و گندم کاشته میشود. پوشش گیاهی اراضی آنجا هم، دشتی بوده و معمولا علفهای فصلی میرویند. لازم به ذکر است، مسیری از جاده ابریشم از اراضی دیم این روستا عبور میکرد و با گذر از داخل فرودگاه تبریز تا پل قدیم آجی چای ادامه داشت و وارد شهر تبریز میگشت.

همچنین میشود گفت، عمده ترین بادهای محلی روستای مورد بحث باد شرقی میباشد و در زبان محلی به آن مه یئلی (باد مه) میگویند که از طرف شرق در تمام فصول سال میوزد و سرد و مرطوب میباشد. باد دیگری که در زبان محلی آغ یئل میگویند، از طرف غرب میوزد و در تبخیر و خشکاندن زمین مؤثر است. سایر بادهای آنجا نیز عبارتند از: آغ داش یئلی، کئچی قیران و تبریز یئلی.

در رابطه با زندگی جانوری در این روستا هم یاد کردنی است، به دلیل عدم وجود درختان انبوه در منطقه، جانوران معمولا همان حیوانات مناطق خشکی هستند و بصورت پراکنده در مزارع زندگی میکنند، از جمله آنها روباه و خرگوش میباشد که به وفور یافت میشوند. گرگ نیز، در فصول سرد در حوالی گله چوپانان دیده میگردد.

در مورد اشتغال روستاییان میتوان گفت، بیشتر اهالی اسکی آلوار، طبق روال قدیم از راه کشاورزی، دامداری و کارگری کسب در آمد میکنند. ولی مشاغل جدیدی مانند مغازه داری، صنعت بیمه، کارهای مرتبط ساختمانی، پیمانکاری ساختمان، چرم سازی، پلاستیک، تراشکاری، صافکاری انواع خدمات خودرویی، رانندگی ماشین آلات سنگین و ترانزیت و سایر صنایع در بین جوانان روستا متدوال گشته است. همچنین، افراد دارای تحصیلات دانشگاهی مانند وکیل، کارمند دولت، حسابدار، اساتید دانشگاه، دبیر، معلم، نظامی، هنرمند و فعالین فرهنگی مختلف از اهالی این روستا در شهر تبریز مشغول هستند.

اسکی آلوار، از رشد جمعیت بسیار پایینی برخوردار است. عمده ترین دلایل رشد پایین جمعیت هم، گرانی و تورم اقتصادی، عدم وجود امکانات مالی، نبود امنیت شغلی، گرانی مسکن و مهاجرت میباشد. این روستا مهاجر پذیر هست، ولی نسبت به روستاهای همجوار به دلیل عدم امکانات رفاهی از جمله وسایط نقلیه

عمومی از مهاجرین کمتری برخوردار است. موضوع مهاجر فرستی روستا نیز، قابل چشم پوشی نیست و مسبوق به سابقه است. بطوری که از صد سال پیش شاید بیشتر از نصف جمعیت فعلی روستا به تبریز، تهران و یا روستاهای اطراف مهاجرت کرده اند و این روند هنوز هم ادامه دارد.

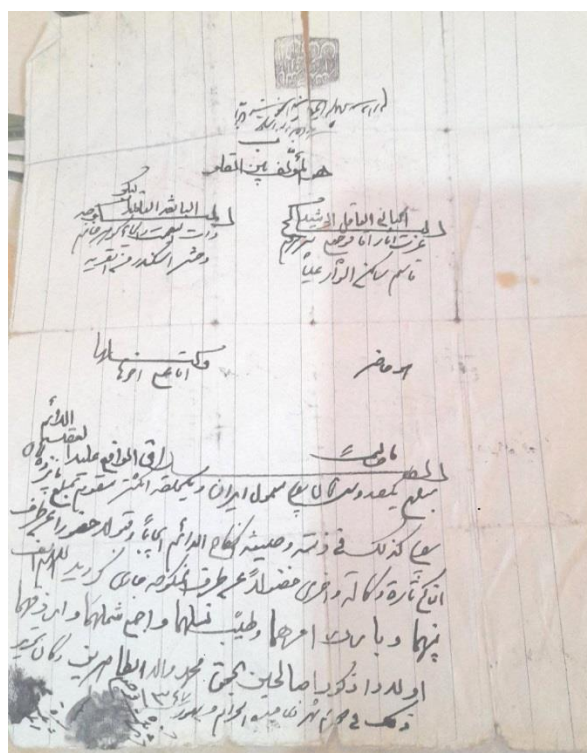
همسایگان روستای اسکی آلوار نیز، آشاغی آلوار، ساغالان، اوغلو، زبرلی، اراضی کشاورزی لاکه دیزج (نوکه دیزه) و آناختین میباشند و فرهنگ و زبان آنجا، مشابه فرهنگ و آداب و سنن شهر تبریز است. صددرد صد جمعیتش ترک میباشد و آنها، آداب و رسوم ازدواج و ترحیم، اعیاد مختلف ملی مذهبی، عزاداری های ائمه و اموات خود را تقریباً مانند اهالی روستاهای همجوار و شهر تبریز برگزار میکنند. اهالی آنجا هم، شیعه هستند و آداب و رسوم ایام عزاداری محرم را در قالب هئیت های عزاداری و دسته های شاخسئی واخسئی که خاص روستا بوده و از قدیم الایام مرسوم است، برگزار مینمایند.

اما، از مهمترین عواملی که اسکی آلوار را در مقایسه با سایر روستاها متمایز ساخته، عبارتند از: همسایگی آن با فرودگاه و پایگاه دوم شکاری تبریز، همجواری با شهرک بزرگ پلاسکو در اول جاده مایان که خود شهرک در اراضی این روستا احداث شده، همسایگی شهرک مبل و خودرو، همسایگی نزدیک با ریل آهن تبریز- جلفا، عبور اتوبان جدید کنارگذر غرب تبریز از کنار روستا که در شکل ۱ هم مشخص است، واقع بودن روستا در کنار جاده ترانزیتی تبریز- صوفیان و همچنین ایجاد شهرک صنعتی در جوار روستا در چند سال اخیر که مانع رشد و توسعه روستا هم شده است.

در مورد عمومی اماکن عمومی هم گفتنی است، اسکی آلوار در حال حاضر دو مدرسه دولتی به نامهای دبستان مولوی و متوسطه اول مولانا دارد که هم دخترانه میباشند و هم پسرانه. دو مسجد نیز در آنجا بنامهای امام حسن (ع) و مسجد قدیم امام حسین (ع) فعال هستند. همچنین دو باب حسینی، یک مرکز خدمات جامع سلامت یا همان مرکز بهداشت، غسالخانه، مرکز مخابراتی و پست بانک هم دارد.

سندی نگارش یافته در اسکی آلوار

تعدادی سند قدیمی نگاشته شده در اسکی آلوار، جهت استفاد در این مقاله در دسترس و مطالعه ما هستند و نمونه ای از این اسناد مطابق شکل ۲، سند ازدواج قوچعلی فرزند قاسم و گوهر خانم دختر اسکندر از اهالی قریه الوار علیا در سال ۱۳۶۷ قمری میباشد که مرحوم حاجی قوچعلی پدر بزرگ نگارنده اهل این روستاست.



شکل ۲: سند ازدواج قوچعلی و گوهر خانم در قریه الوار علیا، سال ۱۳۶۷ قمری

سند ازدواج فوق توسط آقای سلمان اباذری، از افراد تحصیلکرده آبالان (آشاغی مایان) و آشنا به زبان و اصطلاحات عربی، بازنویسی شده است و بازنویسی سند بصورت زیر میباشد:

"

هوالمؤلف بین القلوب

النّاکح: البالغ العاقل الرشید عزت آثار قوچعلی پسر مرحوم قاسم ساکن الوار علیا

المنکوحه: البالغة العاقلة الباکره ذات العصمت و الحیاء گوهر خانم دختر اسکندر من القریه

هو حاضر

وکیلها آقا علی اخوها

الصداق الواقع علیه العقد الدائم

مبلغ یکصد و سی تومان پول معمول ایران و یک حلقه انگشتر مقوم مبلغ پانزده تومان پول کذلک فی ذمته و صیغه النّکاح الدائم ایجبه و قبولاً حضوراً عن طرف الناکح تارَةً و کالَةً و أخرى فضولاً عن طرف المنکوحه جاری گردید.

اللّٰهُمَّ اَلْفَ بَيْنَهُمَا وَ بَارِكْ اَمْرَهُمَا وَ طَيِّبْ نَسْلَهُمَا وَاَجْمَعْ شَمْلَهُمَا وَاَرْزُقْهُمَا اَوْلَاداً ذَكَوراً صَالِحِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ كَانِ تَحْرِيرِ ذٰلِكَ فِى دَوْمِ شَهْرِ ذِيقَعْدَةِ الْحَرَامِ ١٣٦٧

اثر انگشت قوچعلی اثر انگشت آقا علی

(اینجانب حمدالله انصاری بمراتب متن شهادت دارم

مهر: الواثق بالله الغنى .. حمدالله)

”

محل قدیمی اسکی آلوار

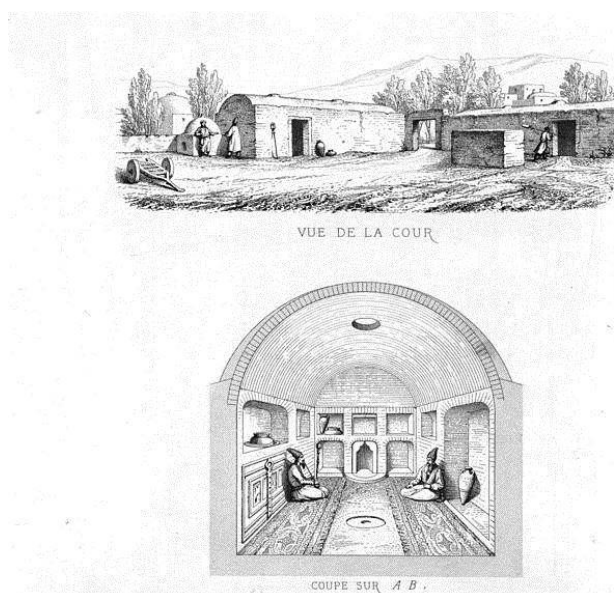
محل قدیمی اسکی آلوار، کنار جاده تبریز- صوفیان بوده است که امروزه درون محوطه های انبارها و کارگاههای ادارات برق و مخابرات استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است و تقریباً روبروی پلیس راه تبریز- مرند و بالای جاده میباشد. امروزه اراضی طرف پایین جاده به قبرستان آلتی معروف است. چرا که روستا در بالای جاده تبریز- صوفیان و قبرستانش در پایین جاده قرار داشته است. تا چند سال پیش هم، موقع شخم زدن زمینهای کشاورزی حوالی جاده مذکور، آثاری از دیوارها، اسکلت انسان، تنور و برخی لوازم زندگی از زیر خاک بیرون می آمد. همانطوریکه در مبحث پنجم استدلال شده، به نظر میرسد، زلزله مهلک ۱۱۳۳ قمری تبریز باعث ویرانی کامل اسکی آلوار در این محل قدیم شده و این روستا در مکان فعلی، پس از زلزله ۱۱۳۳ قمری شکل گرفته، توسعه یافته است.

البته مکان فعلی اسکی آلوار نیز، در زمان باستان خود آبادی یا شهر بوده است، احتمالاً به قدمت سایت عصر آهن مسجد کبود تبریز. زیرا، در حفر چاه توالت در حدود بیش از سی سال قبل، در ۳ متری عمق زمین سنگ قبر بزرگی پیدا میشود که متأسفانه در اثر بی اطلاعی از ارزش تاریخی آن، سنگ را خرد نموده و بیرون میکشند. در محله دیگر هم، در همان عمق تنور پیدا میشود. همچنین در یک نقطه از روستا در عمق چهار متری تونل زیر زمینی پدیدار میشود که از سمت تبریز به طرف روستای ساغالان امتداد داشت که به احتمال زیاد این تونل به تپه باستانی پیر موسی ساغالان منتهی میشود و گویا در آنجا به دو شاخه تقسیم، شاخه ای به طرف مرند و شاخه ای دیگر به شبستر میرود. در تایید موضوع تونل از اهالی ساغالان نیز شنیده شده، موقع ساختن بنای جدید شورای اسلامی در کناره پیرموسی تونل باز شده است.

مروری سریع بر اسکی آلوار در اسناد تاریخی

از نقشه ها و نقاشی های سیاحان غربی، چنان بر می آید که از قدیم الایام جهانگردان نیز این روستا را به نام آلوار (الوار) میشناختند. این روستا در برخی اسناد، آلوار موسوم به ملا احمدلو ثبت شده است. در اسناد رسمی هم که سال ۱۳۴۲ شمسی و زمان اصلاحات ارضی زمینها را به کشاورزان فروخته اند، نام آنجا علی آباد علیا قید شده است.

پاسکال کوست (نقاش، معمار و خاورشناس فرانسوی)، در سال ۱۲۲۰ هجری شمسی و دوران محمدشاه قاجار به ایران سفر نموده بود. از تبریز و اسکی آلوار نیز گذشته بود و از این روستا یک نقاشی با ارزش کشیده، به همراه سایر آثارش انتشار داده بود. نقاشیهای مذکور کوست، در ویکی پدیا هم آپلود گشته اند و همانگونه که در شکل ۳ نمایانده شده، عنوان یکی از نقاشیهای نقاش فرانسوی، خانه اعیانی در روستای الوار میباشد.



شکل ۳: خانه اعیانی در اسکی آلوار، اثر پاسکال کوست، سال ۱۲۲۰ شمسی

اسم آلوار، در نقشه خاورمیانه هنری کیپرت آلمانی نیز مشاهده میگردد و این موضوع در شکل ۵ مقاله ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته، چاپ شماره ۲۱۱ ماهنامه خدا آفرین تهران و سال ۱۴۰۱ شمسی مشخص میباشد.

همچنین اسکی آلوار با نام دیگر موللا احمدلی، در اسناد مالیاتی عثمانی و مربوط به حدود ۳۰۰ سال قبل آمده است و این موضوع در قسمت پنجم به تفصیل بحث خواهد گردید.

در وقفنامه ربع رشیدی در هفتصد سال قبل، از همسایگان لاکه دیزج نام علی آباد را هم قید کرده اند که دقیقا همین اسکی آلوار میباشد. این مطلب مهم، با عنوان سند قدمت اسکی آلوار از وقف نامه ربع رشیدی در اواخر قسمت چهارم بحث خواهد گردید.

(۳) آلوار یا الوار؟

فارسیزه کردن توپونیمهای ترکی در نوشته ها

توپونیم (اسم یک مکان) نشان میدهد، هویت بخشان به آن محل و ساکنین اولیه آنجا از کدام قوم بوده است. از اینرو، جهت تحریف نشدن گذشته تاریخی و حفظ هویت ساکنان اولیه مکانها، بایستی از اسامی خاص و بومی آنها بدقت محافظت گردد. ولی در ایران، بعد از به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی و حاکم شدن فارسها در حدود یکصد سال پیش، سیاستهای شوونیستی فارسیزه کردن توپونیمهای غیرفارسی از حمله ترکی رواج داشته است.

فارسیزه کردن توپونیم ترکی یعنی، حروف صدادار آنرا طوری تغییر دادن که تلفظش برای فارس زبانها راحت بوده و در زبانشان کلمه با تلفظ مشابه داشته باشد. با فارسیزاسیون توپونیم ترکی هویت خود را از دست داده جعلی میگردد و حتی ممکن است در خود زبان فارسی نیز بی معنی باشد. میتوان گفت، اغلب اسامی رسمی شهرها و روستاهای مناطق ترک نشین ایران از جمله آذربایجان، فارسیزه گشته اند. مثلا در دشت تبریز، اسکی یا یوخاری آلوار به الوار علیا، آشاگی آلوار به الوار سفلی، آشاگی مایان (آبالان) به مایان سفلی، ساغالان به سهلان و غیره بدل شده اند. قابل ذکر است، زبان ترکی نه حرف صدادار دارد که همگی کوتاه هستند، در صورتیکه فارسی سه حرف صدادار کوتاه و سه حرف صدادار کشیده دارد. از اینجا مشخص میباشد، نوشتن درست بسیاری از اسامی ترکی به دلیل عدم انتقال صحیح حروف صدادار به زبان فارسی مقدور نیست. بنابر این در مورد ثبت اسامی ترکی اگر مشاهده کردیم، مردم بومی یک منطقه نام یک محل را یک گونه تلفظ میکنند، ولی در ثبت اسم به فارسی اساسا در حروف صدادار تفاوت وجود دارد، نام صحیح را تلفظ مردم منطقه منعکس مینماید و باید از آن توپونیم محافظت گردد. جعل عمدی اسامی ترکی (بومی) به شکل فارسی با دستورات حکومتی نیاز بحث طویل دارد که در اینجا به آن نمیپردازیم.

همچنین در مورد این موضوع، مقاله ای با عنوان تغییر نام و فارسیزاسیون توپونیمهای شهرستان مرند نوشته شده است که مهرماه ۱۴۰۳ در شماره ۲۲۹ ماهنامه خدا آفرین تهران چاپ گشته است. در آن مقاله، مطالب بیشتر و مفصلتری در مورد فارسیزاسیون وجود دارند.

گفتنی است، شبیه عمل فارسیزاسیون در مورد ثبت توپونیمهای ترکی در سایر زبانها نیز روی میدهد، با این تفاوت که در آثار قدیمی غیرفارسی جعلی مشاهده نمیشود، بلکه مولیفین اسمی که از مردم شنیده اند را، گاهی با تفاوت طبیعی در حروف صدادار ضبط کرده اند.

قانون هماهنگی اصوات در زبان ترکی

حروف صدادار در زبان ترکی ۹ عدد میباشند: آ (a)، او (u)، ای (ı)، اُ (o)، اَ (ə)، اِ (e) ای (i)، او (ö) و او (ü). چهار صدای اول اصطلاحاً قالدین نامیده میشوند و پنج حرف بعدی اینجه. اگر اولین حرف صدادار کلمه ای اینجه باشد، تمام حروف صدادار آتی آن کلمه اینجه و اگر حرف اول صدادار کلمه ای قالدین باشد تمام حروف صدادار آن کلمه قالدین خواهند بود. اگر یک اسم ترکیبی، از دو بخش شکل گرفته باشد که یک بخش آن قالدین و دیگری اینجه باشد، در آنصورت تبدیل حروف صدادار انجام گرفته و تماماً قالدین یا تماماً اینجه میگردند.

پس، اگر در تلفظ یک اسم، قانون هماهنگی اصوات ترکی رعایت شده باشد، بومی است و بومیان آشنا به فقط ترکی هم حتماً آن قانون را رعایت مینمایند. اما اگر رعایت نشده باشد، غیر بومی بوده و معمولاً فارسیزه است و اینگونه کلمات فقط از زبان افراد با سواد فارسی یا عربی خارج میگردند.

در کلمه الوار (Alvar)، قانون هماهنگی اصوات ترکی مذکور فوق رعایت نشده است. چون، بخش اول این اسم (ال) دارای حرف صدادار اینجه میباشد، ولی بخش دومش (وار) دارای مصوت قالدین میباشد. اگر بخش اول این روستا ال میبود، بایستی شیوه بومی ترکی آنجا الور (Olvar) میشد نه آلوار.

در آلوار (Alvar) اما، قانون هماهنگی اصوات ترکی رعایت گردیده است و صورت صحیح نام این روستا آلوار میباشد.

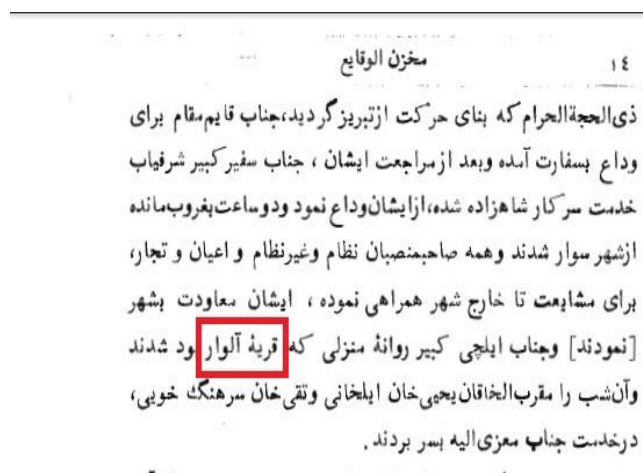
۴) آلوار، در اسناد تاریخی دو قرون گذشته

در تایید آلوار بودن نام روستای مورد بحث، اسناد تاریخی متعددی جستجو و تحقیق گردیده اند و در زیر، به پنج مدرک معتبر یافته شده در این باره پرداخته میگردد که مربوط به دو قرون گذشته هستند.

۴-۱) قریه آلوار در مخزن الوقایع تالیف حسین بن عبدالله سرابی، سال ۱۲۷۲ قمری

مخزن الوقایع، شرح ماموریت و مسافرت فرخ خان امین الدوله با نمایندگی تام الاختیار ایران به ممالک اروپایی و سال ۱۲۷۲ قمری (۱۸۵۶ میلادی) میباشد. شرح مسافرت به قلم حسین بن عبد الله سرابی است که یکی از اعضای هیأت همراه امین الدوله بود و کتاب را در دو جلد تألیف کرده است. این کتاب در سال ۱۳۴۴ شمسی به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی (زعفرانلو) توسط دانشگاه تهران منتشر گردیده است.

امین الدوله و همراهان، موقع رفتن از تبریز به سمت شهر خوی شبی را هم در قریه آوار سپری میکنند و همانطوریکه در شکل ۴ ملاحظه میگردد، در صفحه ۱۴ جلد اول مخزن الوقایع نام این روستا، آوار قید شده است.



شکل ۴: قریه آوار، مخزن الوقایع، سال ۱۲۷۲ قمری

موضوع مطابق زیر بازنویسی نیز شده است:

"ذی الحجة الحرام که بنای حرکت از تبریز گردید، جناب قایم مقام برای وداع بسفارت آمده و بعد از مراجعت ایشان، جناب سفیر کبیر شرفیاب خدمت سرکار شاهزاده شده، از ایشان وداع نمود و دو ساعت بغروب مانده از شهر سوار شدند و همه صاحبمنصبان نظام و غیرنظام و اعیان و تجار، برای مشایعت تا خارج شهر همراهی نموده، ایشان معاودت بشهر [نمودند] و جناب ایلچی کبیر روانه منزلی که قریه آوار بود شدند و آن شب را مقرب الخاقان یحیی خان ایلخانی و تقی خان سرهنگ خویی، در خدمت جناب معزی الیه بسر بردند."

۲-۴) قریه آوار در سیاحت نامه ابراهیم بیگ تألیف زین العابدین مراغه‌ای، سال انتشار ۱۲۸۸ شمسی

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ، سفرنامه‌ای سه جلدی از زین‌العابدین مراغه‌ای می‌باشد. این کتاب انتقادی با نثر روان، تأثیر زیادی در آگاهی اجتماعی و سیاسی جامعه در آستانه جنبش مشروطه داشته است. به نوشته دکتر میرهدایت سیدمروندی، مورخ مروندی، در کانال مروندی، جلد اول کتاب در اواخر سلطنت و حیات ناصرالدین شاه چاپ و منتشر شده، به احتمال قوی سال انتشار آن ۱۲۷۴ شمسی هجری بوده است. جلد دوم کتاب ده سال بعد در ۱۲۸۴ شمسی در زمان مظفرالدین شاه و جلد سوم در ۱۲۸۸ در زمان استبداد محمد علی شاهی نوشته و منتشر شده است.

سیاحت‌نامه سه جلدی ابراهیم‌بیگ، در یک مجلد سال ۱۳۸۴ شمسی به کوشش محمدعلی سپانلو در تهران منتشر گشته است. در قسمت عریضه دولتخواهانه جلد سوم و عنوان مکتوب ارومی در صفحه ۷۴۸، در رابطه با کشتار اهالی ساغالان (ساولان) توسط سواران ماکو به سرکردگی عزت الله خان ماکویی (عیزوخان) در دو فرسخی تبریز نکاتی ذکر نموده است. در صفحه بعدی (۷۴۹) کتاب همانطوریکه در شکل ۵ نشان داده شده، نام آلوار نیز برده گشته و به دزدیهای انجام گرفته در آن روستا توسط آدمهای عزیزخان (سالار) اشاراتی کرده است:

جلد سوم ۷۴۹

شمارا به خدا! ملاحظه فرمایید سالار مکرم از خوی حرکت می‌کند، به قدر سیصد و پنجاه نفر سوار کرد به عنوان پیشدار خود یک روز اول حرکت می‌دهد و آن‌ها کاری می‌کنند که سالار خودش به هر منزلی که می‌رسد همه را زیر و زیر دیده، به جسدهای خاک و خون آغشته و زن‌های بی‌سیرت و خرمن‌های سوخته حیرت می‌آورد. نزدیکی «کوزه‌کنان» رسیده، اهالی آنجا از ترس جن قربانی برای خود و توپ دولتی و تعارف و نلانی آورده و شیوخ و ذاکرین‌شان با هزار النجا و سوگواری دستخط امانی از سالار گرفته و بر می‌گردند اهالی را اطمینان بدهند که قشون دولتی دیگر با ما ندارد. می‌بینند سیصد نفر پیشدار سالار یک بام و یک جای سرپوشیده باقی نگذاشته‌اند که لامحاله سردار شریب خودشان در آن خانه منزل نماید، یک خرمن باقی نگذاشته‌اند که مرغان صحرا و مورچه‌های بیابان تمتعی بردارند. بیچاره اهالی «کوزه‌کنان» در سایه رعیت‌پروری شاه شما دست زن و بچه به دست آمده خودشان را گرفته و به دامنه کوه «میشو» رفته، فقط مرغان خانگی که از ایشان باقی مانده بود نصیب سربازان بیچاره بازمانده شده و غیر از دود و حریق چیزی باقی ندیده‌اند. اهل «شبه‌ستر» از قضیه و رفتار اردوی دولتی مطلع شده با ریاست حاجی میرطاهر پسر حاجی میراسماعیل، چهارصد نفر به استقبال اردو در بیرون شهر منتظر قدوم مبارک سالار بوده‌اند که صد قدم به هیئت مستقبیلین مانده سواران ماکو ریخته همه را لخت کرده و کوتک زده دست کشیده‌اند؛ و خود سالار حرام‌زاده به هر قصبه، به هر دهی که رسیده از باقی ماندگان آن‌ها پول گزاف گرفته که دوباره خودش قتل و غارت نکند. از آن جمله مبالغ کلی از «شبه‌ستر» گرفته و تمام اغنام و مواشی را هم برده‌اند. قریه‌ای که در سر راه بود همه را قتل عام نموده و غارت و آتش زده‌اند و قریه «علی‌شاه» را بعد از غارت و قتل، پیشداران مبلغ کلی گرفته دوباره نجاپایه‌اند و این راه دور را از «خوی» تا دم «پل آجی» غنیمت و مال و فرش و پول و به قدر دوپست نفر اسیر از دهاتیان و حتی در قریه «آلوار» مخزنی را که پر از موال مفروشه و جواهر و لحاف‌های مخسل و پرده‌های اطلس و غیره بود و گویا رحیم‌خان از غارت تبریز در آنجا پنهان کرده بود آدم‌های سالار پیدا کرده با هم برده‌اند.

شکل ۵: قریه آلوار، سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ، سال ۱۲۸۸ شمسی

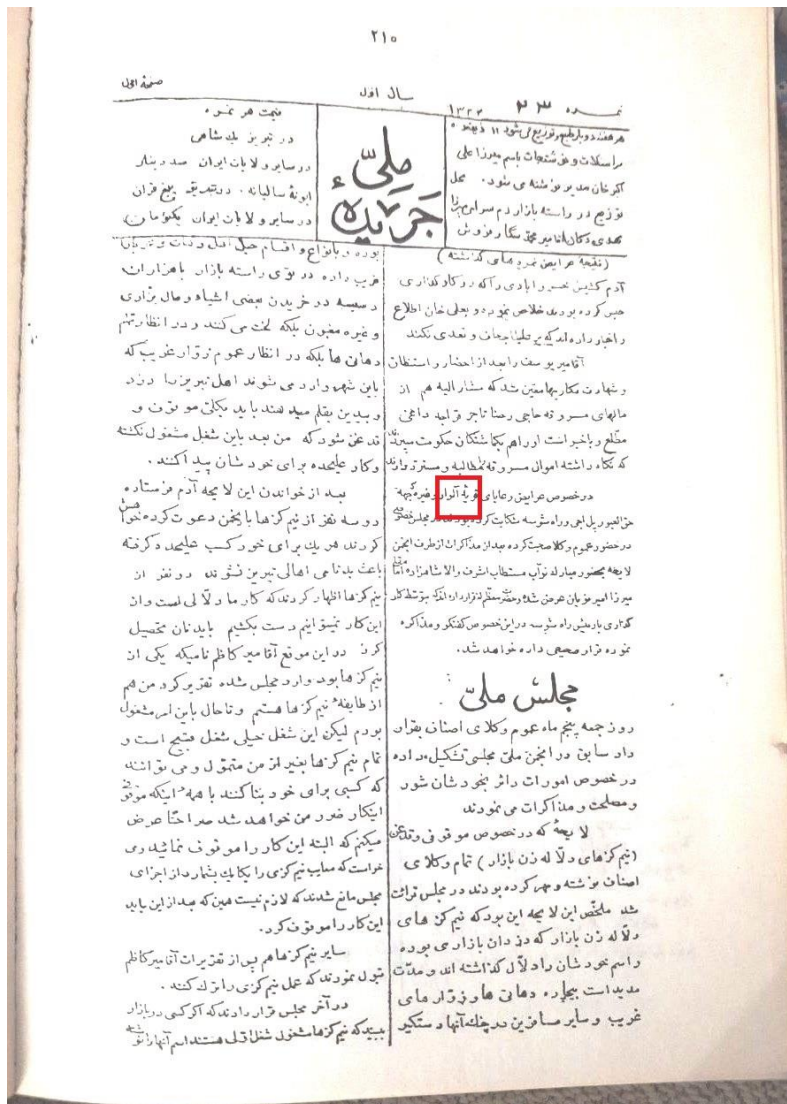
مطلب مربوطه بصورت زیر بازنویسی هم گشته است:

"... و حتی در قریه آلوار مخزنی را که پر از اموال مفروشه و جواهر و لحافهای مخمل و پرده های اطلس و غیره بود و گویا رحیم خان از غارت تبریز در آنجا پنهان کرده بود آدمهای سالار پیدا کرده با هم برده اند."

۳-۴) قریه آلوار در روزنامه انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان) اثر دکتر منصوره رفیعی، سال ۱۳۲۴ قمری

آقای رضا همراز، از پژوهشگران شناخته شده دوران مشروطیت، در شروع مطلبش تحت عنوان روزنامه انجمن که در وبلاگش منتشر گشته، راجع به روزنامه انجمن نوشته است: "روزنامه مستطاب و تاثیر گذار انجمن، ارگان مقدس انجمن ایالتی آذربایجان، یکی از چند روزنامه مفید و ثمر بخش انقلاب مشروطه بود که درباره ثمراتش بارها ارباب قلم، قلم فرسایی نموده اند. اولین شماره با دو عنوان «روزنامه ملی» و «جریده ملی» در غره رمضان ۱۳۲۴ هجری قمری مطابق با ۲۷ مهر ماه ۱۲۸۵ هجری شمسی منتشر شد. از شماره ۲ تا ۹ روزنامه با عنوان روزنامه ملی و از شماره ۱۰ تا ۳۷، سال اول با عنوان جریده ملی و از شماره ۳۸ به بعد با عنوان انجمن تبریز منتشر شده است. در این روزنامه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اخبار، مسائل ادبی، اعلانات و... درج می شدند..."

آرشیو روزنامه مذکور در کتابی تحت عنوان انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان) به قلم دکتر منصوره رفیعی (جعفری فشارکی) توسط نشر تاریخ ایران در تهران و سال ۱۳۶۲ قمری انتشار یافته است. در صفحه ۲۱۰ این کتاب، صفحه اول شماره ۲۳ روزنامه انجمن (جریده ملی) منتشر گشته در سال ۱۳۲۴ قمری مشاهده می‌گردد. همانطوریکه در شکل ۶ نمایانده گشته، در این صفحه خبری از شکایت اهالی روستای مورد بحث و غیره از حق العبور پل آجی چای و راه شوسه نیز درج شده است و نام آنجا قریه آلوار ضبط گردیده است.



شکل ۶: قریه آلوار، روزنامه انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)، سال ۱۳۲۴ قمری

موضوع فوق بصورت زیر بازنویسی نیز شده است:

"در خصوص عرایض رعایای قریه آلوار و غیره، جهت حق العبور پل آجی و راه شوسه شکایت کرده بودند. در مجلس خصوصی در حضور عموم وکلا صحبت کرده بعد از مذاکرات از طرف انجمن لایحه بحضور مبارک نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده امامقلی میرزا امیر خوبان عرض شده، و حضرت معظم له قرار داده اند که بتوسط کارگزار با رئیس راه شوسه در این خصوص گفتگو و مذاکره نموده قرار صحیحی داد خواهد شد."

۴-۴) جنگ آلوار در کتاب آذربایجان فولکلوریندان نمونه لر (جلد اول) اثر دکتر سلام الله جاوید،

سال ۱۳۵۸ شمسی

دکتر سلام‌الله جاوید، وزیر کشور حکومت ملی آذربایجان به رهبری میرجعفر پیشه‌وری بود. حکومت ملی که یکسال پس از استقرار در آذر سال ۱۳۲۵ با دسایس شوروی و آمریکا از بین برده می‌شود. ده‌ها هزار نفر به قتل رسیده یا دستگیر و یا مجبور به فرار می‌گردند. دکتر جاوید نیز، چند سالی در زندانهای محمدرضاشاه پهلوی محبوس می‌گردد. او پس از آزادی به زندگی خود ادامه می‌دهد، ولی مشخصاً کارهای سیاسی یا فرهنگی ترکی در زمان دیکتاتوری شاه فراهم نبوده است. اما دکتر جاوید، پس از انقلاب و سرنگونی شاه، سال ۱۳۵۸ شمسی کتابی به زبان ترکی و بنام آذربایجان فولکلوریندان نمونه‌لر در دو جلد منتشر نموده است.

دکتر جاوید، در جلد اول صفحه ۱۳۲ کتاب آذربایجان فولکلوریندان نمونه‌لر عنوانی با نام ایگیتلیک صفتی (صفت مردانگی) دارد که در آن مطلب به یکی از مردانگی ستارخان در دوران مشروطیت و جنگ آلوار (آلوار داعواسی) اشاراتی نموده است، همانگونه که در شکل ۷ هم نشان داده شده است.

ایگیتلیک صفتی

ستارخان سردار ملی تبریز اطراف‌ی دعوالرینین بیرینده
(آلوار دعواسینده) بویله بیر نقشه چکمیشدی که دشمن
قوشونینی آرایا آلسون. مرند اطرافینده اولان مجاهدله

۱۳۲

دستور وئرمیشدی شمالدان، ئوزینده بیر آرز قوه‌ایله تبریزدن
کئندیب شجاع نظام دسته‌سین آرادان آپارسونلار.
دشمن سردار ملی‌نین نقشه‌سیندن خبردوتور، بیر
دسته‌گونه‌ریر مرند طرفیندن کلن مجاهد لرین قاباغینی
آلسونلار. بوایشی مرند مجاهدلری ستارخان خبر وئره
ییلمه‌بورلر. (اووقت اینانیمیش واسطه‌خبر وئرمک ایچین
قاصدایدی تلکرافخانه‌ده دشمن‌الینده‌ایدی).
مرند مجاهدلری کله‌ییلمه‌دیکلری ایچین تبریزدن
کئندن قوه موفقیت‌قازانا ییلمه‌یوب تلفات وئریرلر، اونلارون
ایچریسینده بیر نفرده گرجی مجاهد لریندن وارایدی اونی

شکل ۷: جنگ آلوار، آذربایجان فولکلوریندان نمونه‌لر (جلد اول)، سال ۱۳۵۸ شمسی

لازم به ذکر است، اهالی منطقه آلوار در دوران مشروطیت، بیشتر مشروطه طلب بوده یاریگر مجاهدان بوده اند. یکی از جنگهای مهمی هم که در منطقه بوجود آمده، جنگ آلوار مذکور بالا میباشد. منظور از آلوار در اینجا نیز، به نظر همان اسکی یا یوخاری آلوار است که در مسیر مرنده تبریز است نه آشای آلوار دور از مسیر. احمد کسروی تاریخ نگار ایرانی هم، در کتاب تاریخ مشروطه ایران و بخش سوم و صفحات ۸۴۶ و ۸۴۷ به تشریح این نبرد پرداخته است و در زیر، دو پاگراف اول جنگ آلوار روایت کسروی را در تایید گفته خود با تغییرات جزئی نقل میگردد:

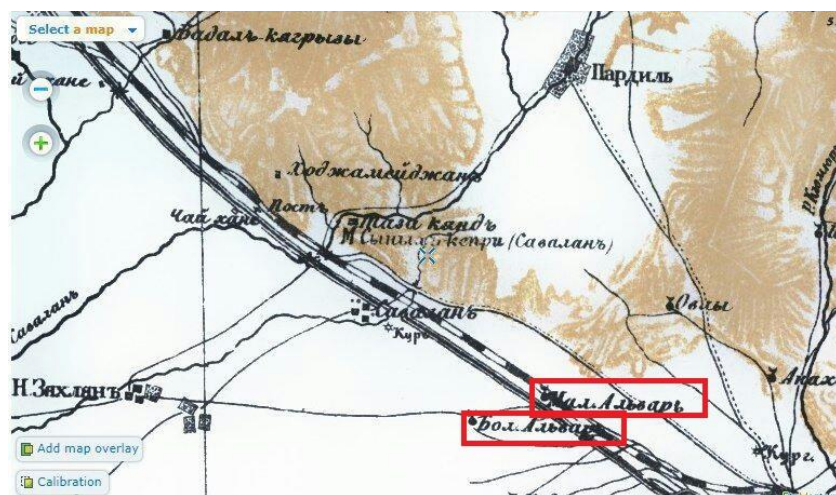
"جنگ آلوار"

رحیمخان چون در آلوار نشست، راه جلفا را بست و پستها که از راه اروپا میرسیدند، در مرنده به امید باز شدن راه میایستادند. این راه که آزادیخواهان آن همه دلبستگی به باز کردنش میداشتند و آن همه تلاشها کرده بودند، نشستن رحیمخان در آلوار همه آن رنجهها را بیهوده میگردانید. از آن سوی سواران رحیمخان در آلوار، ساغالان، مایان و همه آبادیهای نزدیک آزار و بی داد به مردم دریغ نمیگفتند و ناله روستاییان از دست آنان بلند میبود.

این است سردار به این شد که به چاره او کوشد، و چون بلوری و فرج آقا با دسته های خود در مرنده میبودند به ایشان نوشت، نزدیکتر آیند و روزی که از شهر جنگ آغاز شود، ایشان نیز از پشت سر بر آلوار تازند، و باشد که رحیمخان را از میان بردارند...."

۵-۴) قریه مالی آلوار در نقشه روسی، سال ۱۹۲۶ میلادی

در سایت جهانی نامهای جغرافیایی، در قسمت نامهای دیگر برای روستاهای یوخاری آلوار و آشای آلوار شهرستان تبریز، بترتیب اسامی دیگر مالی آلوار (Malyy Alvar) بولشوی آلوار (Bolshoy Alvar) نیز مشاهده میگردد که برای ما مدتها جای سؤال بود و شاید برای دیگر محققان منطقه نیز باشد. این سؤال اخیراً، زمانی پاسخ خود را یافت که نقشه روسی قبلاً انتشار یافته در مقاله ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی) را، برای مشاهده نحوه نگارش نام آلوارهای منطقه در روسی بررسی میکردند. نقشه مزبور که در شکل ۸ هم نشان داده شده، مربوط به سال ۱۹۲۶ میلادی میباشد و نام روستاهای مورد بحث را در آن، مال آلوار و بول آلوار ضبط کرده اند. با جستجوی ساده اینترنتی هم به این نتیجه رسیدیم که مالی و بولشوی در زبان روسی بترتیب دارای معانی کوچک و بزرگ هستند که در برای تفکیک این دو روستا در دو قرن اخیر آنها هم لغات مناسبی بوده اند.



شکل ۸: نقشه روسی، روستاهای مالی آلوار و بولشوی آلوار، سال ۱۹۲۶ میلادی

نتیجه اینکه، مالی (مال) و بولشوی (بول) در اول اسامی دیگر آلوارها در سایت جهانی نامهای جغرافیایی، از زبان روسی نشأت گرفته اند. بعلاوه در نقشه روسی هم کاملاً مشخص است که اسکی آلوار در مسیر بوده، ولی آشای آلوار نیست.

سند قدمت اسکی آلوار از وقف نامه ربع رشیدی

وقف نامه ربع رشیدی، توسط رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر غازان خان ایلخانی در سال ۷۰۹ قمری (۱۳۰۹ میلادی و حدود هفتصد سال پیش) نوشته شده، در آن به شرح و توضیح املاک و اراضی وقف شده شخصی رشیدالدین و نحوه اداره عواید و قوفات برای شهرک علمی ربع رشیدی تبریز که خود او ایجاد کرده بود، پرداخته شده است. اطلاعات ارزشمند جغرافیایی و تاریخی در مورد تبریز و اطراف آن در وقف نامه موجود می‌باشد. در وقف نامه مذکور، از روستاهای مختلف صحرای تبریز هم اسناد تاریخی مهمی وجود دارند. در وقفنامه ربع رشیدی که به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار چاپ گشته، در صفحه ۲۵۶، اراضی وقفی رشیدالدین در روستای لاکه دیزج (لاکدزج، نوکه دیزه) از دیه های ناحیه صحرای تبریز مکتوب شده است. همانگونه که در شکل ۹ هم، نمایانده شده است.

که موقوف ^۱ بر مصالح مسجد دیه.	نظام الدین به مبیعت شرعی منتقل شده.	بست به وایقان و حریم ابار و قنات وایقان و به حریم قناتی معروف به انشاء رعایا و منسوب به امیر علاء الدین فلکی و به راه کوزه کنان از تبریز با جمله قناتی که منسوب است، و این هر دو معروفند به انشاء این ضعیف.
[۱۵] تمامت	[۱۸] تمامت	[۲۱] تمامت
۵ زمین به راه تبریز و زمین مرده کوش ^۲ معروف به زراعت حسین دندن(۹) و به زمین کهنه راه و به زمین معروف به زراعت محمد الیاس.	چهار دانگ مشاع از قریه ^۳ مینق از دیه های ناحیت ریوستان از توابع مدینه تبریز. حدود آن متصل است به اراضی قریه ^۴ پرام علیا و به اراضی مزرعه کردل ^۵ و به اراضی مزرعه نمسور و به اراضی قریه سماج با توابع ولواحق که منسوب است و این حصه از میر جمال الدین محمد اسپرقوئی به این ضعیف واقف به مبیعت شرعی منتقل شده.	قریه ^۶ اشدلق ناحیت مهران رود از توابع مدینه تبریز، حدود آن متصل است به اراضی گلوانق علیا و به اراضی قریه واعدان و به اراضی قریه کجل آباد و به موضع شوره ^۷ دره با توابع ولواحق.
[۱۶] تمامت	[۱۹] تمامت	[۲۲] تمامت
زمین ^۲	حوایت متلاصقه که منبئ اند بر ساقیه فرم و ما(۹) برس کوچه ^۸ خاوری(۹) کی از توابع این مقتوح است بر طریق خراسان، سوی ملک و رفته حسن دود ^۹ .	قریه ^{۱۰} ایشی دره ^{۱۱} معروف به بلدق از مزارع رودقات از توابع تبریز محدود به اراضی دیه کرا[ته] و به اراضی معافان و به اراضی دیه و سنجق ^{۱۲} و به نهر سراه رود ^{۱۳} با جمیع توابع ولو لاحق و معاضات و منسوبات و متعلقات.
[۱۷] تمامت	[۲۰] تمامت	[۲۵] تمامت
سدس و ثمنی مشاع از قریه ^{۱۴} لاکدزج از دیه های ناحیه صحرای تبریز، حدود آن متصل است به اراضی قریه ^{۱۵} علیا باد [قریه علیا باد به اراضی قریه میان و ابلال و به اراضی قریه کج آباد و به اراضی مزرعه فخر الدین احمد و به ساقی خواهان بند و به سورجد بند و به اراضی درب و بجویه و به اراضی درب نو باخونی، با جمیع توابع و لواحق و مناضات و منسوبات و متعلقات، و این حصه از ملک	فقطه ^{۱۶} انبند شبستر محدود به راه	

۲- اصل، برده کوش (ا.ا.).

۱- به اندازه نیم سطر محو شده است (ا.ا.).

شکل ۹: سند قدمت اسکی آلوار از وقف نامه ربع رشیدی، سال ۷۰۹ قمری

موضوع بصورت زیر باز نویسی هم شده است:

"[۱۷] تمامت

سدس و ثمنی مشاع از قریه لاکدزج از دیه های ناحیه صحرای تبریز، حدود آن متصل است به اراضی قریه علیا باد و به اراضی قریه میان و ابلال و به اراضی قریه کج آباد و به اراضی مزرعه فخر الدین احمد و به ساقی خواهان بند و به سورجد بند و به اراضی درب و بجویه و به اراضی درب نو باخونی، با جمیع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات و متعلقات، و این حصه از ملک نظام الدین به مبیعت شرعی منتقل شده."

در این سند قدیمی، به روستای آلوار با نام علیا باد (علی آباد) اشاره شده است که از اسامی کتابتی آلوارها میباشد. ابلال از نامهای کتابتی آبالان (آشاغی میان) بوده، میان همان یوخاری میان فعلی میباشد. در این سند، اسم علی آباد (آلوار) بدون پسوند یا پیشوند متمایز کننده دو آلوار آمده است. با وجود این، همانطوریکه در قسمت دوم ذکر گردید، یکی از همسایگان اسکی آلوار، لاکه دیزج میباشد، آنهم در شهرک صنعتی اطلس تبریز. اما به گفته آقای فرامرزی ابیضی، از افراد مسن آشاغی آلوار و آشنا به کووشنهای منطقه، آشاغی آلوار با لاکه دیزه همسایه نمیباشد و بین اراضی این دو روستا، کووشن خوجا دیزه (خواجه دیزج) قرار گرفته است. پس قریب به یقین این علی آباد، همان اسکی آلوار میباشد. اما بفرض اگر آن قسمت از کووشن خوجا

دیزه که مابین آشاهی آلوار و لاکه دیزه قرار گرفته در زمان نوشتن وقفنامه ربع رشیدی متعلق به آشاهی آلوار بوده باشد و علی آباد وقفنامه هم همان یئنی آلوار باشد. باز با این مدرک، تردیدی باقی نمی ماند که در آن تاریخ اسکی آلوار هم وجود داشته است، بدلیل قدمت بیشترش از آشاهی آلوار.

۵) اسکی آلوار در ۳۰۰ سال پیش

حدود ۳۰۰ سال پیش، عثمانیها، برای مدت محدودی و تا ظهور نادرشاه افشار آذربایجان و غرب ایران را تصرف مینمایند. از آن دوران اشغال، اسناد و مدارک تاریخی فراوانی به جای مانده است که حاوی اطلاعات ناگفته و ارزشمندی درباره اوضاع مملکت و شیوه تعامل عثمانیان با سرزمینهای تصرف شده در آن روزگار پراشوب است. این اسناد در دو جا در ترکیه نگهداری میشوند: آرشیو نخستوزیری عثمانی و آرشیو موزه کاخ توپکاپی.

قبلا در این موضوع، در مقاله ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی)، بطور مفصل به بازخوانی دفتر مالیاتی ساغالان از روستاهای لوای (ایالت) تبریز آذربایجان پرداخته شده که فروردین ماه سال ۱۴۰۰ شمسی و ماهنامه اوزان در تهران چاپ گردیده است. در اینجا اما، مروری مشابه بر داده های اسکی آلوار منطقه درج گشته در دفاتر مالیاتی عثمانیها خواهد شد، ولی از منبعی دیگر. در ابتدا هم، جهت آشنایی خوانندگان این مقاله با موضوع، قسمت نظام مالیاتی عثمانی با تغییراتی اندک از مقاله ساغالان درج میگردد و برای مشاهده منابع و توضیحات بیشتر به مقاله مذکور مراجعه شود.

نظام مالیاتی عثمانی

نظام مالیات عرفی دولت عثمانی دارای قواعد پیچیده مخصوص خود بود که تفاوت اساسی با نظام مالیات گیری ایران عهد صفوی داشت (موسوی و ستایش، ۱۳۹۷، ۱۶۷). مأموران عثمانی طبق نظامنامه های مدون و منظم از ساکنان سرزمینهای فتح شده مالیاتهای گوناگونی را اخذ مینمودند. در این نظام مالیاتی، رعایای روستانشین علاوه بر پرداخت مالیات زمین زراعی از بابت محصولات کشاورزی و دامی نیز خمس، عشر و ... پرداخت میکردند. علاوه بر این، مالیاتهای دیگری نیز از بابت حوادث و اتفاقات گوناگونی همچون عروسی، جرم و جنایت و ... بر گرده رعیت ساکن روستا بسته میشد. این مالیاتها با نام «رسم»، «عادت»، «خمس»، «عشر» و ... مشخص میگردد و در اینجا، به سه دسته مالیات مربوط به سند مورد بحث اشاراتی میشود:

(الف) زمین زراعی

دهقانان برحسب مقدار زمینی که جهت کشاورزی در اختیار داشتند مبلغ معینی را به عنوان مالیات پرداخت میکردند. این نوع مالیات «چفت رسمی» یا «رسم چفت» نامیده میشد. این مالیات هم از زمین

کشاورزی اخذ میشد و هم از خانوارهای کشاورز (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۷۰)؛ به این معنا، رعایایی هم که زمینی در اختیار نداشتند «چفت رسمی» پرداخت میکردند. میزان مالیات مربوط به هر یک از طبقات رعایا در ادوار گوناگون تاریخی و نیز در هر یک از مناطق جغرافیایی متفاوت بوده است. چفت: مقدار زمینی که سالانه با یک جفت گاو نر شخم زده میشد. این مقدار زمین نسبت به جنس خاک در جاهای مختلف تفاوت داشت. مالیات سالانه این مقدار زمین ۵۰ آغچه بود. نیم: کسانی که نصف «چفت» زمین در تصرف خود داشتند مشمول مالیات «نیم» یا «نیم چفت» میشدند و مالیات آنها نیز نصف مالیات «چفت» بود (۲۵ آغچه). بناک: کشاورزی که کمتر از نیم چفت زمین در اختیار داشت مالیات «بناک» ادا میکرد (۱۸ آغچه). جبه: اگر مرد متأهلی مالک زمین زراعی نبود و بر روی زمین دیگران کار میکرد در این رده قرار میگرفت و ۱۲ آغچه مالیات سالانه پرداخت میکرد. مجرد: مردان مجرد فاقد زمین که دارای درآمد بودند ۶ آغچه مالیات میپرداختند.

(ب) محصولات زراعی و باغی

اراضی فتح شده توسط قوای عثمانی تحت اداره مأموران دولت فاتح قرار میگرفت و کشاورزان به عنوان مستأجر دایمی و موروثی بر روی زمین زراعی کار میکردند و در ازای محصولی که از آن برداشت میکردند سالانه مبلغی را به عنوان مالیات پرداخت میکردند (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۶۷). مالیات محصولات کشاورزی با اسامی و قواعد خاصی مشخص میشد:

خمس: محصولات کشاورزی (غلات، تخم کتان و ...) شامل خمس یا پنج یک میشد که در واقع مالیات ۲۰ درصد محصول بود. گفتنی است، این خمس غیر از خمس شرعی میباشد. عُشر: یا ده یک که مالیات ۱۰ درصد محسوب میشد. شامل باغات، میوه، بستان و پنبه و ... بود. میوه و بستان و ... اگر به قصد رفع نیاز خانواده کاشته میشد مشمول مالیات نمیگردید (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۶۸).

علاوه بر خمس و عشر محصولات زراعی و باغی، مالیاتی به نام «بهاء کاه» نیز از بابت کاه و علوفه اخذ میگردد.

(ج) مالیات‌های متفرقه

طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های جمعی و عملکردهای فردی رعایا مشمول انواع مالیات میشد که هر کدام اسم و رسم خاصی داشت:

عادت اغنام: مالیاتی که از صاحبان گوسفند و بز دریافت میگردد.

رسم عروسانه: به هنگام برگزاری مراسم ازدواج داماد (احسان اوغلو و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۷۳) و یا پدر عروس (تاشکین، ۲۰۱۳، ۶۸) مبلغی را به عنوان مالیات عروسی به مأموران دولتی پرداخت میکردند. این مبلغ برای عروس باکره ۱۲۰ آغچه و برای عروس ثیبه ۶۰ آغچه بود. ثیبه زنی که شوهر خود را به سبب مرگ یا طلاق از دست داده باشد.

دشتبانی: جریمه‌ای که از بابت آسیب به محصولات کشاورزی اخذ میشد.

طاپوی زمین: مبلغی که از بابت هزینه ثبت سند تصرف زمین دریافت میشد.

نیابت: مالیاتی که در برابر خدمات ارائه شده توسط کارکنان دولت اخذ میگردید.

جرم و جنایت: مالیات اخذ شده از مجرمان با توجه به نوع جرم و توان مالی مجرم.

مژده عبد آبق و یاوه و قاققون و غیرها: مبلغی که از بابت پیدا شدن عبد آبق (برده فراری)، یاوه و قاققون (حیوان فراری) از مالک برده یا حیوان اخذ میشد.

باد هوا: رعایایی که زمینی در اختیار نداشتند و به مشاغل تجاری میپرداختند شامل مالیات باد هوا میشدند (پاکالین، ۱۹۷۱، جلد ۳، ۲۹) در منابع دیگر باد هوا را مجموعه‌ای از مالیات‌های متفرقه (شامل موارد فوق) تعریف کرده‌اند (تاشکین، ۲۰۱۳، ۶۷). کلمه *bedava* در ترکی استانبولی به معنای «رایگان» نیز شکل دیگری از این واژه است.

سال قبل (۲۰۲۴ میلادی) در رابطه با موضوع فوق، در باکو کتاب دفتر مفصل مالیاتی مربوط به لوای تبریز و سال ۱۷۲۴ میلادی توسط پروفیسور شاهین مصطفی یئف از آکادمی علوم جمهوری آذربایجان به زبان ترکی آذربایجانی ترجمه گشته، در دو جلد انتشار یافته است. بعداً نیز خود مؤلف، متعاقب تقاضای بسیاری از علاقمندان، این اثر بسیار با ارزش را برای استفاده عموم به طور رایگان در وبسایت آکادمیا قرار داده است. هر دو جلد کتاب پروفیسور مصطفی یئف از وبسایت مذکور دانلود شده، از آنها استفاده شده است. اطلاعات گرانقدری در مورد اسکی آلوار هم، در دفاتر مالیاتی لوای تبریز مشاهده میگردند.

در جلد اول کتاب دفتر مفصل مالیاتی پروفیسور مصطفی یئف، فهرست ناحیه خیتای لوای تبریز در صفحه ۲۴۲ ذکر شده که شامل ۳۰ مورد میباشد. اولین مورد و مرکز آن ناحیه، شیخ حسنلی است که به نظر میرسد همان روستای شیخ حسن دهستان لاهیجان بخش خسروشاه شهرستان تبریز باشد. نام اسکی آلوار با نام دیگر موللا احمدلی نیز، در فهرست ناحیه خیتای مشاهده میگردد.

تحلیل محتوا

توضیحات مالیاتی روستای اسکی آلوار با نام دیگر موللا احمدلی، در صفحات ۲۵۶ و ۲۵۷ جلد اول کتاب دفتر مفصل مالیاتی مصطفی یئف آمده است. مطابق شکل ۱۰، نام سرپرستان مرد اسکی آلوار در آنجا قید شده است و شامل ۵۹ نفر مرد بالغ میباشد که وضعیت تصرف زمین کشاورزی نیز داخل پارانتر ثبت شده است.

23 - ADI ÇƏKİLƏN [NAHİYƏYƏ] TABE [OLAN] ƏSKİ ƏLVAR KƏNDİ,
BAŞQA ADI MOLLƏƏHMƏDLİ³⁰³

Hacı Zaman Hacı Əsgər oğlu (bennak)	Qorxmaz Sərrafqulu oğlu (bennak)
Əlipənəh – onun qardaşı (bennak)	Murad Bayram oğlu (bennak)
Əbdülrəhim – digər qardaşı (müçərrəd)	Məhəmmədəli – onun qardaşı (bennak)
İmamqulu Hacı Əliverdi oğlu (bennak)	Məhəmmədmirzə – onun oğlu (bennak)
Məhəmməd – onun qardaşı (bennak)	İmamverdi – onun qardaşı (bennak)
Dilək Səlbəli oğlu (bennak)	Nəqdi Qeydi oğlu (bennak)
Rəsul – onun qardaşı (bennak)	Nuru Əli oğlu (bennak)
Əbdülrza – onun qardaşı (müçərrəd)	Şükürqulu Əliqulu oğlu (bennak)
Şərif Mövcəli oğlu (bennak)	Hüseynəli – onun oğlu (müçərrəd)
Bədirəli – onun oğlu (bennak)	Əlihümmət Mirim oğlu (bennak)
Hüseyn Şərif oğlu (bennak)	Aşır Sübhanverdi oğlu (bennak)
Cahanqulu Hacı Hüseyni oğlu (bennak)	Kazıməli – onun qardaşı (bennak)
Əlisuvar – onun oğlu (bennak)	Rüstəm Dərviş oğlu (müçərrəd)
Əliəvsər (?) – onun qardaşı (müçərrəd)	Əli – onun qardaşı (bennak)
Dinməhəmməd Əlif oğlu (bennak)	Dövlət Rəhmanqulu oğlu (bennak)
Sultan – onun qardaşı (müçərrəd)	Ağaqulu – onun oğlu (müçərrəd)
Yaqub – digər qardaşı (bennak)	Nurqulu – onun qardaşı (bennak)
Məhəmmədrza Kəlbəli oğlu (bennak)	Əlibəy Hacı Piribəy oğlu (bennak)
Saqi – onun qardaşı (müçərrəd)	Nəqdi Əliqulu oğlu (bennak)
Budaq Xocaqulu oğlu (bennak)	Niyaz – onun qardaşı (müçərrəd)
Bünyadəli – onun oğlu (müçərrəd)	Ələmqulu – digər qardaşı (müçərrəd)
Rəcəbəli Tahir oğlu (bennak)	Seyfəli Piri oğlu (bennak)
Rəhimqulu Hatəm oğlu (bennak)	İsmayıl Əmirqulu oğlu (bennak)
Gürzəli Əbdülqəni oğlu (bennak)	Mürüvvətəli Hacı Piribəy oğlu (bennak)
Səlbəli – onun qardaşı (bennak)	Hüseynəli – onun oğlu (müçərrəd)
(s. 175) Şərbətəli Gürzəli oğlu (bennak)	Tağı İmamverdi oğlu (bennak)
Hümmətəli – onun qardaşı (müçərrəd)	İmamverdi – onun oğlu (müçərrəd)
Ələkbər Cəbiəli oğlu (bennak)	Yəhya Xanəhməd (bennak)
Cəbiəli – onun oğlu (bennak)	İmamqulu – onun qardaşı (bennak)
Səfixan Ələkbər oğlu (bennak)	

³⁰³ Əlyazmada "Əlvar-i Atiq" (الوار عتيق) və "Mollaəhmədli" (ملا احمدلو) kimi yazılıb.

شکل ۱۰ : اسامی سرپرستان مرد قریهٔ اسکی آلوار به زبان ترکی آذربایجانی

همانطوریکه در شکل ملاحظه می‌گردد، نام این روستا، در نسخه اصلی عثمانیها الوار عتیق ضبط شده است و توسط مترجم آذربایجانی مانند موارد مشابه، بصورت اسکی الوار برگردان شده است. در اینجا، کلمه اسکی بومی و صحیح است، اما بومی الوار، آلوارمیباشد. کلمه عتیق نیز، به روشنی نشان دهنده کهن تر بودن این روستا نسبت به آشاغی آلوار است. همچنین، نام دیگر این روستا به شکل منلا احمدلو ضبط شده است و مترجم بدرستی منلا را گویشی از ملا تشخیص داده، ثبت کرده است. ضبط موللا احمدلی (ملا احمدلو) بعنوان نام دیگر این روستا جای شکی باقی نمیگذارد که این روستای مضبوط در ناحیه خیتای همان روستای مورد بحث است.

اسامی سرپرستان مرد قریهٔ اسکی آلوار شکل ۱۰، از ترکی آذربایجانی به زبان فارسی ترجمه شده، در جدول ۱ درج گشته است. توجه به اسامی رعایای ساکن روستای اسکی آلوار، زبان رایج و نوع مذهب رعایا را در این آبادی آشکار می‌سازد. وجود نامهای ترکی همچون آشیر، قورخماز، بایرام، آقافلی، بوداق و غیره نشان دهنده حضور تاریخی ترکان در این آبادی میباشد. همچنین، نامهایی نظیر امام وئردی و اسامی ترکیبی زیاد علی، منعکس کننده شیعه بودن اهالی این روستاست.

قورخماز پسر صراف قلی (بناک)	حاجی زامان پسر حاجی عسگر (بناک)
مراد پسر بایرام (بناک)	علی پناه - برادر او (بناک)
محمدعلی - برادر او (بناک)	عبدالرحیم - برادر دیگر او (مجرد)
محمد میرزا - پسر او (بناک)	امام قلی پسر حاجی علی وئردی (بناک)
امام وئردی - برادر او (بناک)	محمد - برادر او (بناک)
نقدی پسر قیدی (بناک)	دیلک پسر سلبی علی (بناک)
نوری پسر علی (بناک)	رسول - برادر او (بناک)
شکر قلی پسر علی قلی (بناک)	عبدالرضا - برادر او (مجرد)
حسینعلی - پسر او (مجرد)	شریف پسر موج علی (بناک)
علی همت پسر میریم (بناک)	بدیرعلی - پسر او (بناک)
آشیر پسر سبحان وئردی (بناک)	حسین پسر شریف (بناک)
کاظم علی - برادر او (بناک)	جهان قلی پسر حاجی حسینی (بناک)
رستم پسر درویش (مجرد)	علی سووار - پسر او (بناک)
علی - برادر او (بناک)	علی سووار (?) - برادر او (مجرد)
دولت پسر رحمان قلی (بناک)	دین محمد پسر علی (بناک)
آقاقلی - پسر او (مجرد)	سلطان - برادر او (مجرد)
نور قلی - برادر او (بناک)	یعقوب - برادر دیگر او (بناک)
علی بی پسر حاجی پیر بی (بناک)	محمد رضا پسر کلبعلی (بناک)
نقدی پسر علی قلی (بناک)	ساقی - برادر او (مجرد)
نیاز - برادر او (مجرد)	بوداق پسر خواجه قلی (بناک)
علم قلی - برادر دیگر او (مجرد)	بنیادعلی - پسر او (مجرد)
سیفعلی پسر پیری (بناک)	رجبعلی پسر طاهر (بناک)
اسماعیل پسر امیر قلی (بناک)	رحیم قلی پسر حاتم (بناک)
مروتعلی پسر حاجی پیری بی (بناک)	گرزعلی پسر عبدالغنی (بناک)
حسینلی - پسر او (مجرد)	سلبی علی - برادر او (بناک)
تقی پسر امام وئردی (بناک)	شریت علی پسر گرزعلی (بناک)
امام وئردی - پسر او (مجرد)	همتعلی - برادر او (مجرد)
یحیی پسر خان احمد (بناک)	علی اکبر پسر جبی علی (بناک)
امام قلی - برادر او (بناک)	جبی علی - پسر او (بناک)
	صفی خان پسر علی اکبر (بناک)

جدول ۱: ترجمه فارسی اسامی سرپرستان مرد قریه اسکى آلوار

در این سیاهه، کنار اسامی افراد به نوع مالیات پرداختی هر فرد نیز اشاره شده است که حاصل جمع آنها عبارت است از: بناک ۴۵ نفر و مجرد ۱۴ نفر. یعنی، ۴۵ نفر از اهالی روستا کشاورزانی بوده اند که کمتر از

نیم چفت زمین در اختیار داشته مالیات «بناک» ادا میکردند که بهای آن ۱۸ آغچه میباشد. ۱۴ نفر هم، مردان مجرد فاقد زمین که دارای درآمد بودند، ۶ آغچه مالیات میپرداختند. همچنین با این فرض که کسی از اهالی روستا از پرداخت مالیات معاف نشده است میتوان گفت، در سال سرشماری در روستای اسکی آلوار ۴۵ خانوار و با فرض هر خانوار ۵ نفر، حدود ۲۲۵ نفر زندگی میکردند.

در این لیست اسامی، در صورتیکه مردی نسبت خانوادگی پدری با مرد ردیف قبلی داشته، به جای نام پدرش آن نسبت ضبط شده است و مشخصا بدین ترتیب نام پدر فرد مزبور هم در لیست وجود خواهد داشت. بعنوان مثال، در ابتدای لیست حاجی زامان پسر حاجی عسگر قید شده، بعدا علی پناه بعنوان برادر او ذکر گردیده است که مشخص میشود حاجی عسگر پسر علی پناه نیز میباشد.

همچنین، مطابق شکل ۱۱ که در صفحه ۲۵۷ کتاب آمده، انواع خمس (مالیات) گرفته شده از بابت گیاهان دانه دار در روستای اسکی آلوار به تفکیک تعداد افراد و قیمت آنها ذکر گردیده اند.

Dənli bitkilərdən alınan xüms

Çift vergisi – 7 [nəfər] – 350 [ağça]
 Bennak vergisi – 44 [nəfər] – 792 [ağça]
 Mücərrəd vergisi – 15 [nəfər] – 90 [ağça]
 Buğda – 70 keyl; dəyəri – 2 800 [ağça]
 Arpa – 350 keyl; dəyəri – 1 150 [ağça]
 Pambıq üşrü – 7 mən; dəyəri – 700 [ağça]
 Bostan üşrü – 20 [ağça]
 Qoyun və keçi vergisi – 10 [ağça]
 Çayır vergisi ilə yonca – 20 [ağça]
 Ağıl və qışlaq vergisi – 100 [ağça]
 Gəlirlilik vergisi: bəkirə qız üçün – 120 [ağça], dul qadın üçün – 60 [ağça], dəyəri – 180 [ağça]
 Daştbani və torpaq tapusu – 360 [ağça]
 Niyabat, badi-hava, cürm-ü-cinayət, müjdə-i abd-i abiq, yava və başqa [rüsümlər] – 700 [ağça]

Yekun: 7 082 [ağça]

شکل ۱۱: انواع خمس گرفته شده از گیاهان دانه دار به زبان ترکی آذربایجانی

انواع خمس گرفته شده از بابت گیاهان دانه دار از اهالی اسکی آلوار، به فارسی ترجمه گشته و در جدول ۲ درج گردیده است.

چفت ۷ نفر قیمت ۳۵۰ آغچه	بناک ۴۴ نفر قیمت ۷۹۲ آغچه	مجرد ۱۵ نفر قیمت ۹۰ آغچه	گندم ۷۰ کیل قیمت ۲۸۰۰ آغچه	جو ۳۵۰ کیل قیمت ۱۱۵۰ آغچه
عشر پنبه ۷ من قیمت ۷۰۰ آغچه	عشر بستان ۲۰ آغچه	مالیات گوسفندوبز ۱۰ آغچه	مالیات چمن و یونجه ۲۰ آغچه	مالیات آغل و قشلاق ۱۰۰ آغچه
مالیات عروسی دختر باکره ۲۰ آغچه زن بیوه ۶۰ آغچه قیمت ۱۸۰ آغچه	مالیات دشتبانی و طاپوی زمین ۳۶۰ آغچه	نیابت، باد هوا، جرم و جنایت، مرده عبد آبیق، یاوه و سایر رسومات ۷۰۰ آغچه		
جمع کل: ۷۰۸۲ آغچه				

جدول ۲: انواع خمس گرفته شده از گیاهان دانه دار به فارسی

یئنی آلوار (آشاغی آلوار)

در جلد اول کتاب دفتر مفصل مالیاتی مصطفی یثف، فهرست ناحیه سرد صحرای تبریز در صفحات ۱۷۹ و ۱۸۰ ذکر شده که شامل ۵۰ مورد میباشد و اولین مورد و مرکز آن ناحیه سردرود (سردری) میباشد. نام یئنی آلوار نیز، در فهرست ناحیه سرد صحرا دیده میشود و توضیحات مالیاتی آن روستا، در صفحات ۲۳۰ و ۲۳۱ ضبط گردیده است. همچنین مطابق شکل ۱۲، نام سرپرستان مرد بالغ یئنی آلوار در آنجا قید شده است که شامل ۲۲ نفر میباشد.

Məhəmməd Bəkir oğlu (çift)	Əlinəzər – onun oğlu (müçərrəd)
Əbdülkərim – onun qardaşı (bennak)	Babacavan Hüseynəvən oğlu (caba)
Əliverdi Məhəmməd oğlu (bennak)	Allahverdi Bəktəş oğlu (bennak)
Əlimədəd – onun oğlu (müçərrəd)	Muradçavan Şərəf oğlu (bennak)
Xocaəli Hacı Rəsul oğlu (çift)	Kövsər Babacavan oğlu (bennak)
Xoca Abdulla oğlu (nim)	Ağaqulu Zülfüqar oğlu (caba)
Dərviş Heydər oğlu (nim)	Cəfər İsa oğlu (bennak)
Ağaməhəmməd – onun qardaşı (müçərrəd)	Seyidqulu Fəttah oğlu (bennak)
Heydərşan Lütfi oğlu (çift)	Əliverdi Allahverdi oğlu (bennak)
Mahmud Ağam oğlu (bennak)	(s. 149) Gülmirzə Şəbi oğlu (bennak)
İshaq Abbas oğlu (caba)	Mehrəli Molla Saleh oğlu (müçərrəd)

Dənli bitkilərdən alınan xüms

Çift vergisi – 3 [nəfər] – 150 [ağça]
 Nim vergisi – 2 [nəfər] – 50 [ağça]
 Bennak vergisi – 8 [nəfər] – 144 [ağça]
 Caba vergisi – 2 [nəfər] – 24 [ağça]
 Müçərrəd vergisi – 5 [nəfər] – 30 [ağça]
 Buğda – 100 keyl; dəyəri – 4 000 [ağça]
 Arpa – 50 keyl; dəyəri – 1 500 [ağça]

²⁷⁷ Əlyazmada “Əlvar-i Cədid” (الوار جدید) kimi yazılıb. Mətnə “Əlvar” adını daşıyan bir neçə kənd mövcuddur. Günümüzdə Təbriz şəhristanının Mərkəzi bəxşinin Acıçay dehistanına tabe olan Yuxarı Əlvar – “Əlvar-i Ülya” (الوار علی) və Aşağı Əlvar – Əlvar-i Süfla (الوار سفلی) kəndləri mövcuddur. Farsca “İran türklərinin milli coğrafiyasının lüğəti” (-1973cü il) əsərindəki məlumata görə, o zaman Təbriz şəhristanının Bostanabə bəxşinin Mehranrud dehistanına tabe olan “Əlvar” (الوار) adlı kənd mövcud idi (Fərheng-i coğrafiya-yi milli-yi Torkan-i İran-zemin, s. 23).

شکل ۱۲: اسامی سرپرستان مرد قریه یثنی آلوار به زبان ترکی آذربایجانی

اسامی سرپرستان مرد قریه یثنی آلوار، از ترکی آذربایجانی به زبان فارسی ترجمه شده، در جدول ۳ درج گردیده است.

محمد پسر بکیر (چفت)	علی نظر – پسر او (مجرد)
عبدالکریم – برادر او (بناک)	باباجوان پسر حسین جوان (جبه)
علی وئردی پسر محمد (بناک)	الله وئردی پسر بکتاش (بناک)
علی مدد – پسر او (مجرد)	مرادجوان پسر شرف (بناک)
خواجه علی پسر حاجی رسول (چفت)	کوثر پسر باباجوان (بناک)
خواجه فرزند عبدالله (چفت)	آققلی پسر ذوالفقار (جبه)
درویش پسر حیدر (نیم)	جعفر پسر عیسی (بناک)
آقامحمد – برادر او (مجرد)	سیدقلی پسر فتاح (بناک)
حیدرخان پسر لطفی (چفت)	علی وئردی پسر الله وئردی (بناک)
محمود پسر آغام (بناک)	غلامرضا پسر شبی (بناک)
اسحاق پسر عباس (جبه)	مهرعلی پسر ملا صالح (مجرد)

جدول ۳: ترجمه فارسی اسامی سرپرستان مرد قریه یثنی آلوار

همانطوریکه در شکل ۱۲ ملاحظه می‌گردد، نام این روستا، در نسخه اصلی عثمانیها الوار جدید ضبط شده است و توسط مترجم آذربایجانی مانند موارد مشابه، بصورت یئنی الوار برگردان شده است. در اینجا، کلمه یئنی بومی و صحیح است، اما بومی الوار، آلوار میباشد. کلمه جدید نیز، به روشنی نشان دهنده جدیدتر بودن این روستا نسبت به یوخاری آلوار است.

باتوجه به مشخص شدن بدون تردید یوخاری آلوار در اسناد مالیاتی عثمانی، این یئنی آلوار هم بایستی همان آشاهی آلوار باشد. زیرا، در همان ناحیه سرد صحرای مورد انتظار ضبط گردیده است، به مانند روستاهای آبالان (ابلال)، مایان (یوخاری مایان)، ساغالان، کوجووار و غیره.

همچنین، نامهایی همچون آغام، علی وئردی، حیدرخان، آقاقلی، آله وئردی و نیز اسامی ترکیبی زیاد علی، نشان دهنده حضور تاریخی ترکان شیعه در این آبادی است.

از مقایسه جداول ۱ و ۳ میتوان دریافت، در آنزمان اسکی آلوار از یئنی آلوار تعداد مردان و خانوارهای بیشتری داشته و بزرگتر بوده است. در حالی که در دو قرن اخیر در مدارکی که دیده شده یئنی آلوار (آشاهی آلوار) بزرگتر بوده است و یکی از این مدارک هم نقشه روسی شکل ۸ میباشد.

نهایت اینکه، در مقاله ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی) ذکر شده است که روستای فعلی ساغالان با جمعیتی اندک پس از زلزله مهلک ۱۱۳۳ قمری تبریز شکل گرفته است. همان زلزله مهلک ذکر شده، بایستی باعث نابودی روستای اسکی آلوار در نزدیکی ساغالان نیز شده باشد و میتوان گفت، محل قدیمی اسکی آلوار بحث گردیده در قسمت دوم و واقع در درون محوطه های انبارها و کارگاههای ادارات برق و مخابرات استان آذربایجان شرقی، مکان این روستا و جای زیست اهالی آن روستا قبل از آن زلزله بوده است. اما پس از زلزله مهلک ۱۱۳۳ قمری تبریز، از محل قدیمی به مکان جدید و فعلی تغییر مکان یافته است. لازم به ذکر است، آمار اسناد مالیاتی عثمانی اسکی آلوار (و نیز یئنی آلوار) چند سالی بعد از سال ۱۱۳۳ قمری هستند و به احتمال زیاد آن روستا هم در این اسناد نسبت به حدود ۱۰ سال قبل از آن تاریخ، کاهش جمعیت داشته است.

۶) ریشه شناسی نام آلوار

با توجه به کهن بودن نام آلوار، طبیعتاً هر چه قدر این حروف و واجها در زبانها و لهجه های قدیمتر بررسی گردند، به ثواب نزدیکتر خواهند بود. جهت بررسی اینموارد و بررسی حرفها، به کتاب سیری در تاریخ زبان و

لهجه های ترکی تالیف دکتر جواد هیئت مراجعه شده است. در کتاب مذکور، مراحل مختلف زبان ترکی در بخش دوم ذکر گردیده اند و در قسمت اول آن بخش و صفحه ۳۳ تا ۴۴ کتاب به قدیمترین شیوه شناخته شده ترکی، یعنی زبان ترکی گوک ترک (ترکی استانبولی /KökTürkçe / ترکی اورخون)، پرداخته شده است. ترکی قدیم گوک ترک مربوط به دوران پیش از اسلام آوردن ترکان بوده، در آن مخرجهای ه، خ، و، ژ و ج وجود نداشته است. بدین ترتیب با توجه به نبود حرف و در ترکی قدیم، میتوان نتیجه گرفت، حرف و در آلوار واج میباشد و بعدا در لهجه ها از حرف ب در آبار پدیدار گشته است. موضوعی که در لهجه های ترکی آذربایجانی کنونی نیز زیاد مشاهده میگردد. مثلا، در کتاب دیوان لغات الترک تالیف محمود کاشغری که مربوط به قرن پنجم هجری است و توسط دکتر صدیق به فارسی ترجمه گشته، کلمه بار در صفحه ۵۰۲، به، هست، واژه ای بر وجود چیزی در جایی میباشد، معنا شده است. اما در لهجه های کنونی ترکی آذربایجانی و ترکی استانبولی، در طی زمان، ب به و مبدل و کلمه وار استفاده میگردد.

آلوار، یک نام نام بومی برای ترکان میباشد و روستاهای زیادی همانام آلوارهای تبریز، در سایر شهرهای سرزمین ترک نشین آذربایجان نیز وجود دارند، مانند آلوار اهر، بستان آباد، خلخال و غیره. آلوارها در اسامی رسمی ایران، معمولا فارسیزه شده الوار گشته اند. گاهی هم، مانند آلوار خلخال نام جعلی علی آباد یافته اند. همچنین مطابق با سایت جهانی نامهای جغرافیایی، دو روستا با نام آلوار (Alvar)، در استانهای مالاتیا (Malatya) و ارض روم (Erzurum) کشور ترکیه نیز وجود دارند. بعلاوه، در سیاحتنامه ده جلدی و به زبان اصلی ترکی عثمانی اولیا چلبی، سیاح مشهور قرن ۱۱ قمری عثمانی، نام قریه ای بنام آلوار در صفحه ۴۴ جلد پنجم آمده است که از گوگل بوکس دانلود شده سال چاپش ۱۳۱۵ قمری میباشد.

بنابر این، با زبان ترکی میتوان آلوار را ریشه یابی نمود و به نظر میرسد، نام اصل آبار (Albar) را که آلوار از آن بدست آمده، در زبان ترکی به صورت آل بار (Al bar) میتوان ریشه شناسی نمود. همانطوریکه، در زیر با استناد به منابع معتبر معنانشناسی گشته است.

آل (Al) ترکی، به معنی رنگ سرخ در زبان فارسی

آل، در کتاب دیوان لغات الترک اثر محمود کاشغری که مربوط به قرن پنجم هجری است و توسط دکتر صدیق به فارسی ترجمه گشته، در صفحه ۱۱۶ به دو شکل معنی گشته است:

الف) پارچه ای شنگرفی رنگ که از آن برای خانان بیرق و برای اسبان دولتیان روکش زین و یراق بدوزند. به رنگ شنگرفی، آل al نیز گویند.

ب) حيله و نیرنگ،...

کلمه شنگرف در معنی اول، در لغتنامه فارسی دهخدا، به سرخ و آن سرخی که بدان نویسند، معنی شده است. یعنی، معنی اول آل در دیوان لغات الترك همان سرخ میباشد

همچنین، اولین مفهوم آل در لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی- فارسی دیل دنیز اثر آقای اسماعیل هادی، اتیمولوژیست آذربایجانی، در صفحه ۷۶ آن لغتنامه سرخ روشن مشاهده میگردد.

آقای اسماعیل جعفرزاده، اتیمولوژیست دیگر آذربایجانی، در واژه نامه سه جلدی ترکی به ترکی آذربایجان سؤزلویو، در صفحه ۱۵۵ جلد اول در تشریح آل، همان دو مفهوم گفته شده را به همان ترتیب ذکر کرده است، بعلاوه به آندو، چند معنی دیگر را نیز افزوده است. در همانجا، اسامی روستاهایی از آذربایجان و ایران را که با آل شروع میشوند و قاعدتا بایستی با آل و معانی آن از جمله مترادف سرخ آن وجه تسمیه یابند، آورده است. اسم آلوار مورد بحث نیز جزء آن روستاهاست و روستاها عبارتند از: آلانا/آلانا، آلوانا، آلی، آل قییان، آلوار، آلماس، آلمان، آل قیه سی، آل داهی، آلازار، آل اثیوان و ...

همچنین در زبان ترکی علاوه بر آل، کلمات قیزیل و قیرمیزی هم مترادف رنگ سرخ در زبان فارسی بکار میروند. آنها هم در نام روستاهای زیادی مشاهده میگردند، برای نمونه قیزیل دیزه تبریز و قیرمیزی گؤل توفارقان از این گروهند.

بار (bar) ترکی، به معنی همه یا کامل در زبان فارسی

بار (bar)، در لغتنامه ترکی قدیمی اثر پروفیسور دکتر فضولی بیات و دکتر مینارا علی یثوا، متخصصان موضوع که به زبان ترکی استانبولی در فضای مجازی انتشار داده اند، دو دسته معنی شده است:

الف) ۱. هست، موجود، همه، هستی ۲. کامل ...

ب) ۱. رسیدن، رفتن، ملاقات کردن ۲. .. ۳. ... ۴. ...

بار (bar) و معانی آن در لغتنامه ترکی قدیمی مذکور، در شکل ۱۳ نشان داده شده است و در بین معانی دسته اول بار به نظر مترادفهای همه و کامل فارسی در ریشه یابی نام مورد نظر مفاهیم مناسبی هستند.

bar 1. var, mevcut, **hep**, varlık; 2. **bü-**
tün; bar bayağut devletli, varlıklı;
 bar er- var olmak; bar yok bol- yok
 olmak, yok etmek; bar kıl- yarat-
 mak
 bar- 1. varmak, gitmek, ulaşmak; 2.
 gezmek, dolaşmak; 3. yok olmak,
 mahvolmak; 4. ölmek, vefat etmek

شکل ۱۳: بار (bar) و معانی آن در لغتنامه ترکی قدیمی به ترکی استانبولی

بار، همانطوریکه در بالا اشاره شده، در کتاب دیوان لغات الترك اثر محمود کاشغری که مربوط به قرن پنجم هجری است، کلمه بار به، هست، معنا گشته است.

بار، در فرهنگ قدیمی ترکی به فارسی سنگلاخ اثر میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی نادرشاه، تلخیص حکیم محمد خوئی با عنوان خلاصه ی عباسی و تصحیح دکتر حسین محمدزاده صدیق که سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات یاران تبریز چاپ شده، آمده است. در قسمت حرف ب و صفحه ۱۵۴، برای بار (bar) به ترکی دو معنی ذکر شده است، یکی وجود دارد و هست، و دیگری امر از رفتن.

همچنین، در فرهنگ جدید جامع دو جلدی ترکی-فارسی شاهمرسی اثر آقای پرویز زارع شاهمرسی که چاپ دومش سال ۱۳۹۴ در قزوین منتشر شده است، برای وار، همان بار دیوان و سنگلاخ، مترادفهای موجود، هست، در دسترس، دارایی، ثروت و تمول آمده است.

روستاهای متعددی در آذربایجان هستند که نامشان مانند آلوار (آلبار) به وار (بار) ختم میگردند. مثلاً مطابق با آخرین سرشماری کشور ایران در سال ۱۳۹۵ شمسی در آذربایجان شرقی، مکانهایی مانند لووار (لیوار) مرند، شیندوار (شندآباد) شبستر، کوجووار تبریز و غیره هستند و میتوانند با این معانی فوق بار ریشه یابی کردند.

نتیجه اینکه، آلبار در زبان ترکی، همه سرخ یا کامل سرخ معنانشناسی میگردد. به نظر میرسد این روستا به خاطر اینکه نمای ظاهری جالب توجه سرخ رنگی داشته، بدین نام نامیده شده و مشهور گردیده باشد. به خاطر اینکه موقع تشکیل روستا، مصالح و خاک خانه های کاه گلی آن که مشخصاً در آن موقع محدود و معدود بوده اند، در همه یا غالبشان از خاک قرمزی شبیه کوه عینالی تبریز استفاده شده، آلبار نامگذاری گشته است. آلبار کندی نیز، روستایی که خانه های از دور مشخص آن همه سرخ یا کامل سرخ میباشد، وجه تسمیه مناسبی میگردد.

منابع و مآخذ

۱- آمار استان آذربایجان شرقی در سرشماری سال ۱۳۹۵ شمسی:

https://amar.org.ir/Portals/0/Statistics/CN95_HouseholdPopulationVillage_03_r-14030410121504.xlsx

۲- آلان؛ نام بومی ناحیه تاریخی صحرای تبریز، قدرت ابوالحسنی ساغالان، ماهنامه خدا آفرین، شماره ۲۳۴، تهران، اسفند ماه ۱۴۰۳

۳- فهرست نقشه‌ها و نقاشی‌های پاسکال کوست و اوژن فلاندن:

https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D9%87%D8%B1%D8%B3%D8%AA_%D9%86%D9%82%D8%B4%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7_%D9%88_%D9%86%D9%82%D8%A7%D8%B4%DB%8C%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D9%BE%D8%A7%D8%B3%DA%A9%D8%A7%D9%84_%DA%A9%D9%88%D8%B3%D8%AA_%D9%88_%D8%A7%D9%88%DA%98%D9%86_%D9%81%D9%84%D8%A7%D9%86%D8%AF%D9%86

۴- ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته، قدرت ابوالحسنی سهلان، ماهنامه خدا آفرین، شماره ۲۱۱، تهران، ویژه آبان، آذر و دیماه ۱۴۰۱

۵- تغییر نام و فارس‌سازیون توپونیمهای شهرستان مرند، قدرت ابوالحسنی ساغالان، ماهنامه خدا آفرین، شماره ۲۲۹، تهران، مهرماه ۱۴۰۳

۶- مخزن الوقایع (شرح ماموریت و مسافرت فرخ خان امین الدوله)، حسین بن عبد الله سرابی، به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی (زعفرانلو)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴ شمسی

۷- سیاحت نامه ابراهیم‌بیگ، زین العابدین مراغه‌ای، نسخه کامل سه جلدی در یک مجلد، به کوشش محمدعلی سپانلو، ناشر آگاه و سپهر خرد، تهران، ۱۳۸۴ شمسی

۸- روزنامه انجمن تبریز، رضا همراز:

<https://salarsolmaz.blogfa.com/post/127>

۹- انجمن (ارگان انجمن ایالتی آذربایجان)، دکتر منصوره رفیعی (جعفری فشارکی)، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۲ قمری

۱۰- آذربایجان فولکلوریندان نمونه لر (جلد اول)، دکتر سلام‌الله جاوید، انتشارات فرزانه، تهران، ۱۳۵۸ شمسی

۱۱- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ شمسی

۱۲- سایت جهانی نامهای جغرافیایی:

[/https://www.geonames.org](https://www.geonames.org)

۱۳- ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی)، قدرت ابوالحسنی سهلان و جلیل یاری، ماهنامه اوزان، چاپ تهران، شماره ۲۰، فروردین ماه ۱۴۰۰ شمسی

۱۴- وقف نامه ربع رشیدی، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی (۱۳۵۶ شمسی)

۱۵- دفتر مفصل مالیاتی مربوط به لیوای تبریز (جلد اول)، پروفسور شاهین مصطفی یثف، چاپ دانشگاه دولتی باکو، جمهوری آذربایجان، باکو، ۲۰۲۴ میلادی:

TƏBRİZ LİVASININ MÜFƏSSƏL DƏFTƏRİ

Birinci cild

Ön söz, tərcümə və şərhlərin müəllifi

akademik şahin Mustafayev

Bakı – BDU Nəşr Evi – 2024

۱۶- سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، دکتر جواد هیئت، چاپ سوم، نشر پیکان، تهران، ۱۳۸۰ شمسی

۱۷- دیوان لغات الترك، شیخ محمود کاشغری، ترجمه دکتر حسین محمدزاه صدیق، چاپ اول، نشر اختر، تبریز، ۱۳۸۳ شمسی

۱۸- جلد پنجم سیاحتنامه اولیا چلبی (ترکی عثمانی)، درسعادت، چاپ اقدم، سال ۱۳۱۵ قمری:

https://www.google.com/books/edition/%D8%A7%D9%88%D9%84%D9%8A%D8%A7_%DA%86%D9%84%D8%A8%D9%89_%D8%B3%D9%8A%D8%A7%D8%AD%D8%AA%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%D8%B3/m9JQAQAAMAAJ?hl=en&gbpv=1&dq=%D9%82%D8%B1%DB%8C%D9%87+%D8%A2%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%B1+%DA%86%D9%84%D8%A8%DB%8C&pg=PA44&printsec=frontcover

۱۹- سایت واژه یاب، معنی شنگرف در لغتنامه دهخدا:

<https://vajehyab.com/dekhoda/%D8%B4%D9%86%DA%AF%D8%B1%D9%81>

۲۰- لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی- فارسی دیل دنیز، اسماعیل هادی، اختر، تبریز، ۱۳۸۶ شمسی

۲۱- فرهنگ لغت آذربایجان در سه جلد ترکی-ترکی، اسماعیل جفرلی (جعفرزاده)، نشر احرار، تبریز، ۱۳۹۲ شمسی (۲۰۱۳ میلادی)

۲۲- لغتنامه ترکی قدیمی، پروفیسور دکتر فضولی بیات و دکتر مینارا علی یثوا:

ESKİ TÜRKÇE SÖZLÜK

Prof. Dr. Fuzuli Bayat

Dr. Öğretim Üyesi Minara Aliyeva

https://www.otuken.com.tr/u/otuken/docs/e/s/eski-turkce-sozluk-1604587240.pdf?srsId=AfmBOopg_eq_Id_WbZU9NK-MGdztyKeDdDJvYUgiiwyoqNFG8KE7auCG

۲۳- فرهنگ ترکی به فارسی سنگلاخ، میرزا مهد یخان استرآبادی، تلخیص حکیم محمد خوئی با عنوان خلاصه عباسی، مقدمه، تصحیح و تحشیه دکتر حسین محمدزاده صدیق، انتشارات توسط یاران، تبریز، ۱۳۸۸ شمسی

۲۴- فرهنگ جامع دو جلدی ترکی-فارسی، پرویز زارع شاهمرسی، چاپ دوم، نشر آذرمدخت، قزوین، ۱۳۹۴ شمسی

کانالهای تلگرامی

- آلبوم الوار علیا (@albomealvar)، محمدرضا شوکتی الوار علیا

- مرندیم (@marandim)، دکتر میرهدایت سیدمرندی